

## راه کارهای جلوگیری از روابط ناسالم دختر و پسر در جامعه

محبوبه جوکار \*

### چکیده

ارائه راه‌های برون رفت از معضل روابط ناسالم دختر و پسر که امروزه با تأثیر از فرهنگ غیردینی، بر جامعه اسلامی تحمیل شده است، از مباحث مهمی است که ذهن کارشناسان و صاحب‌نظران را به خود مشغول نموده است. بررسی این مسئله از آن روی اهمیت دارد که گسترش چنین روابطی علاوه بر آسیب‌های جدی که بر جسم، روح و روان نوجوان و جوان وارد می‌کند و موفقیت او و آینده‌اش را تحت الشعاع قرار می‌دهد، کیان خانواده را نیز در معرض خطر جدی قرار داده و در نتیجه روز به روز جامعه را به سمت انحطاط و نابودی پیش می‌برد. اکنون این سؤال مطرح است که: به راستی راه‌های برون رفت از این معضل چیست؟ بی‌تردید برای حل چنین مشکلی نیازمند نگاه خرد و کلان به قضیه بوده و معتقدیم برای از میان برداشتن این گونه معضلات، مساعدت فرد، خانواده، جامعه، دولت، نهادهای متولی امور دینی و فرهنگی و صاحبان هنر و رسانه، لازم است. در این مقاله، تلاش شده است به بررسی راه کارهای حذف این نوع روابط، در بخش وظایف فرد، خانواده، جامعه، حکومت و دولت اسلامی، نهادهای متولی تربیت دینی-اسلامی و صاحبان هنر و رسانه پردازیم. رجوع به منابع تفسیری، روایی، تربیتی، روانشناسی و... می‌تواند یاری‌گر ما باشد.

**کلیدواژه:** روابط، دختر، پسر، معضل، راه کار.

\* کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآن، پژوهشگر رشته مطالعات زنان و خانواده، مدرس جامعه الزهراء (ع).  
راه کارهای جلوگیری از روابط ناسالم دختر و پسر در جامعه

## مقدمه

بی‌شک برای حل هر مشکل فردی یا اجتماعی، راه‌کارهایی وجود دارد که با تدبیر و اندیشه و پشت سر گذاشتن آن راه‌ها می‌توان به سلامت از آن موانع و مشکلات عبور نمود. مشکلات اجتماعی همان‌گونه که چند عاملی‌اند و ترکیب عوامل مختلف باعث به وجود آمدن آنها می‌شود، حل آنها نیز نیازمند پیوند عوامل مختلفی است و بی‌توجهی به رفع این معضلات و ناهنجاری‌های اخلاقی - اجتماعی، به تدریج باعث فروپاشی جامعه خواهد شد. سنت الهی این است که رخوت و سستی و راضی بودن به کج‌رفتاری‌های اخلاقی و اجتماعی در یک جامعه، آن جامعه را نابود خواهد کرد و قوم دیگری را جایگزین آنها می‌کند:

يا ايها الذين آمنوا من يرتد منكم عن دينه فسوف يأتي الله بقومٍ  
يحبُّهم و يحبُّونه اذلة علي المؤمنين اعزة علي الكافرين يجاهدون في  
سبيل الله و لا يخافون لومة لائم<sup>۱</sup>

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هر کس از شما، از آیین خود بازگردد، (به خدا زبانی نمی‌رساند و) خداوند جمعیتی را می‌آورد که آنها را دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند؛ در برابر مؤمنان متواضع و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند، آنها در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ ملامت‌گری هراسی ندارند. بنابراین، برای حل معضلی مانند روابط ناسالم دختران و پسران نوجوان و جوان که امروزه تا گسترده شده است، لازم است به راه‌کارهای فردی، خانوادگی، اجتماعی و همچنین نقش دولت و حکومت اسلامی، نقش نهادهای دینی، فرهنگی و آموزشی، هنرمندان و رسانه‌ها توجه شود. به هر یک از این راه‌کارها به‌طور مختصر اشاره می‌شود.



## ۱. راهکارهای فردی

### (الف) دستیابی به هدفی معین در زندگی

هدفدار بودن زندگی، از عوامل مؤثر در بهداشت روانی افراد است. هدف سمت و سوی کار، فعالیت و ارتباط افراد را در جامعه مشخص می‌کند. کسی که هدف مشخصی دارد، پیوسته فعالیت‌های خود را متوجه آن می‌سازد و هر چه بیشتر تلاش می‌کند به هدف نزدیک‌تر می‌شود، از این رو است که از بی‌نتیجه نبودن تلاش و کوشش خویش احساس شادی کرده، از زندگی خوشنود می‌شوند که این خوشنودی، آرامش خاطر در پی دارد.

به گفته برخی روانشناسان، هدف، انسان را به فعالیت‌های متنوع وادار می‌کند و محرک انسان در جریان زندگی است. هدف زندگی و فعالیت‌های مربوط به آن را معنی‌دار می‌سازد و همین امر در ایجاد آرامش و سکون خاطر مؤثر است. فردی که در زندگی هدف معینی ندارد، دلیل تلاش و کوشش خود را نمی‌داند، آینده روشنی ندارد و از این نظر در حال تزلزل و ناامنی به سر می‌برد. زندگی برای چنین فردی بی‌معنی و فاقد ارزش است. چنین فردی دچار افسردگی و یأس می‌شود.<sup>۲</sup> قرآن کریم هدف کلی خلقت انسان را چنین بیان نموده است:

و ما خلقت الجنّ و الانس إلاّ ليعبّدون و ما ارید منهم من رزق  
و ما ارید ان یطعمون.<sup>۳</sup>

من جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند (و  
از این راه تکامل یابند و به من نزدیک شوند). هرگز از آنها  
روزی نمی‌خواهم و نمی‌خواهم مرا اطعام کنند.

خداوند، میزان موفقیت در رسیدن به هدف را برای هر کس، بسته به تلاش و کوشش او می‌داند و می‌فرماید: «...لیس للانسان الا ما سعی؛<sup>۴</sup> و این که برای انسان بهره‌ای جز سعی و کوشش او نیست.»

بر این اساس، در صورتی که فرد در زندگی خود دارای هدف متعالی و ارزشمند باشد،

این هدف در او ایجاد انگیزه نموده، زمینه تلاش و کوشش خستگی‌ناپذیر را در او فراهم می‌آورد، در او شور و بالندگی ایجاد می‌کند و او را وادار به فعالیت‌های متعدد و متنوع نموده و خون حیات را در رگ‌های او به جریان می‌اندازد.

هدف، یأس و ناامیدی را از فرد دور می‌نماید، در نتیجه فرد به آسانی تسلیم شکست‌ها نمی‌شود. در این صورت وقت و انرژی، در نظر او یکی از نعمت‌های باارزش خداوند محسوب می‌شود که به هیچ قیمتی حاضر به ازدست‌دادن آن نیست و نهایت بهره‌برداری را از آن می‌نماید؛ با موانع موجود بر سر راه خود، با تمام توان مبارزه می‌کند و خود را با تفریحات ناسالم، ارتباطات نادرست و دوستی‌های نامتعارف، سرگرم نمی‌کند و با برنامه‌ریزی دقیق و حساب شده، سختی‌ها را پشت سر گذاشته، قله‌های موفقیت را یکی پس از دیگری فتح می‌کند. در این صورت، ارتباط نادرست با جنس مخالف برایش معنا و مفهومی ندارد؛ زیرا هدف او بسیار والاتر است و اگر برای تأمین نیازهای عاطفی و جنسی، نیازمند به جنس مخالف در کنار خود است، از راه صحیح و شرعی آن که همان ازدواج است، اقدام می‌نماید و هرگز با ارتباط‌های ناسالم، وقت، انرژی و نشاط جوانی را از دست نداده و هدف عالی خود را به بهره‌مندی از لذت‌های زودگذر دنیا تنزل نمی‌دهد.

## ب) دوری از دوستان ناباب

تأثیر دوست بر نوجوان و جوان اجتناب‌ناپذیر و بسیار زیاد است. این تأثیر ممکن است در جهت مثبت و رشد کمالات اخلاقی و فضایل معنوی و شکل‌گیری ساختار شخصیت بهنجار باشد و یا برعکس، در جهت سوق دادن او به ناپسند‌های اخلاقی و دوری از انسانیت و اخلاق. از این رو قرآن کریم در آیات متعددی<sup>۵</sup> هشدار می‌دهد که:

وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَن ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا.<sup>۶</sup>

و از آن کس که دلش را از ذکر خود، بی‌خبر ساخته‌ایم و از پی هوای نفس خود می‌رود و در کارهایش اسراف می‌ورزد، پیروی مکن.

بزرگان دین نیز برای اینکه پیروان خود و به ویژه نسل جوان را در راه فضیلت‌های



اخلاقی و روش‌های انسانی ثابت‌قدم نگه دارند و از خطر سقوط و گمراهی محافظتشان نمایند، پیوسته خطرها و زیان‌های دوست بد را یادآور شده‌اند. از جمله:

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ  
الْأَزْمَنِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ يَقْطِينٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ مَنْ أَصْغَى  
إِلَى نَاطِقٍ فَقَدْ عَبَدَهُ فَإِنْ كَانَ النَّاطِقُ يُؤَدِّي عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَقَدْ عَبَدَ  
اللَّهِ وَإِنْ كَانَ النَّاطِقُ يُؤَدِّي عَنِ الشَّيْطَانِ فَقَدْ عَبَدَ الشَّيْطَانَ.<sup>٧</sup>

امام جواد 7 فرموده است: کسی که به سخن گوینده‌ای گوش فرا دارد، با این عمل، وی را بندگی کرده است و اگر گوینده، سخن از خدا می‌گوید، او خدا را بندگی کرده و اگر ناطق از زبان شیطان و افکار شیطانی سخن می‌گوید، شیطان را بندگی نموده است.

اگر نوجوان و جوان بخواهد در دام کژی‌ها و بزهکاری‌ها، ارتباط‌های نامشروع و دوستی نامتعارف با جنس مخالف نیفتد، باید مراقب دوستی‌های خود باشد؛ با چه کسانی دوست می‌شود و دوستانش، او را به چه کارهای مثبت و سازنده و یا نادرست و زیان‌بار می‌خوانند. اگر در میان دوستانش، کسی با ملاک‌های اسلامی مطابقت ندارد، بتواند با او قطع رابطه نماید؛ چرا که انسان، خواه ناخواه از رفتار، منش و بینش دوست خود متأثر می‌شود و به فرموده امام علی 7:

لَا تَصْحَبِ الشَّرِيرَ فَإِنَّ طَبْعَكَ يَسْرِقُ مِنْ طَبْعِهِ شَرًّا وَأَنْتَ لَا تَعْلَمُ.<sup>٨</sup>

از مصاحبت با مردم شریر و فاسد بپرهیز که طبیعت به طور ناآگاه، بدی و ناپاکی را از طبع منحرف او می‌دزد و تو از آن بی‌خبری.

امام صادق 7 نیز می‌فرماید: «مَنْ يَصْحَبُ صَاحِبَ السُّوءِ لَا يَسْلَمُ؛<sup>٩</sup> کسی که با

رفیق بد، هم‌نشین شود، سالم نمی‌ماند و سرانجام به ناپاکی آلوده می‌شود».

بنابراین، جوانی که با دوستان بدنام و گناهکار رفاقت می‌کند، اگر خویش‌داری و باراده

نیز باشد و مراقبت کند که به گناهان آنها آلوده نشود، از بدنامی اجتماعی در امان نیست؛ زیرا بدنامی، اثری قهری است که بر اثر این دوستی دامن گیر جوان می شود و سوابق او را ننگین می کند. در حدیثی از پیامبر اکرم  $\text{ﷺ}$  آمده: «أولي الناس بالثمة من جالس اهل الثمة؛<sup>۱۰</sup> شایسته ترین مردم برای بدنامی و ننگ اجتماعی کسانی هستند!» که با بدنامان رفیق می شوند و با آنان مجالست می نمایند.

### ج) مبارزه با فقر فرهنگی جوانان

برخلاف این تصور که فقر و غنا به تهیدستی و بی نیازی مالی و اقتصادی معنا می شود، فقر و غنا در اندیشه امام علی  $\text{ؑ}$  معنای گسترده تری دارد. در جایی امام  $\text{ؑ}$  می فرماید: «و قَالَ لَا غِنَى مِثْلَ الْعَقْلِ وَلَا فَقْرٌ أَشَدُّ مِنَ الْجَهْلِ؛<sup>۱۱</sup> هیچ بی نیازی مانند عقل و هیچ فقری مانند جهل نیست». در این سخن، به قرینه «عقل» و «جهل» که از امور معنوی اند، منظور از غنا و فقر، بی نیازی و تنگدستی معنوی است. امام، فقر فرهنگی را سخت ترین و بدترین فقر می داند. در روایت دیگری آمده که: «قيل له: «فای فقر اشد؟ قال: الكفر بعد الايمان؛<sup>۱۲</sup> از امام علی  $\text{ؑ}$  سؤال شد: کدام نوع فقر شدیدتر و بدتر است؟ فرمود: کفر ورزیدن پس از ایمان». همان گونه که استحکام فرهنگی و دینی، باعث امنیت فکری و فرهنگی می شود و آسیب زدایی دین را به دنبال خواهد داشت، فقر و ضعف فرهنگی و نبود ژرف اندیشی در تحلیل مسائل دینی، آسیب پذیری فرهنگی و دینی را در پی خواهد داشت. بنابراین با توجه به اینکه یکی از ویژگی های دوران جوانی، کم دانشی در حوزه علم و معرفت و فرهنگ دینی است، حیات معنوی و دینی در این دوران، آسیب پذیر است و راه مقابله با آن، افزایش معرفت دینی است که ثمره آن استحکام عقاید دینی است. در اندیشه امام علی  $\text{ؑ}$  مقدار معرفت و یقین و میزان پایبندی افراد به دین، رابطه ای مستقیم دارد؛ به این معنا که هر چه شناخت و یقین انسان قوی تر و محکم تر باشد، دینداری شایسته تری خواهد داشت. ایشان در حدیثی می فرماید: «حفظ الدين ثمرة المعرفة؛<sup>۱۳</sup> ثمره و فایده شناخت، حفظ و بقای دین است».



بنابراین، معرفت دینی باعث دینداری انسان می‌شود و هر چه معرفت دینی ژرف‌تر باشد، دینداری نیز عمیق‌تر است.<sup>۱۴</sup> از این‌رو، حضرت می‌فرماید:

لي، [الأمالي للصدوق] أَبِي عَنْ سَعِيدٍ عَنِ الْيَقْطِينِيِّ عَنْ يُوسُفَ  
 بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زِيَادِ الْعَطَّارِ عَنِ ابْنِ طَرِيفٍ عَنِ ابْنِ  
 نُبَاتَةَ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع تَعَلَّمُوا الْعِلْمَ فَإِنَّ  
 تَعَلَّمَهُ حَسَنَةً وَ مُدَارَسَتَهُ تَسْبِيحٌ وَ الْبَحْثَ عَنْهُ جِهَادٌ وَ تَعْلِيمَهُ لِمَنْ لَا  
 يَعْلَمُهُ صَدَقَةٌ وَ هُوَ أُنَيْسٌ فِي الْوَحْشَةِ وَ صَاحِبٌ فِي الْوَحْدَةِ وَ سِلَاحٌ  
 عَلَى الْأَعْدَاءِ وَ زَيْنُ الْأَخْلَاءِ يَرْفَعُ اللَّهُ بِهِ أَقْوَامًا يَجْعَلُهُمْ فِي الْخَيْرِ أَيْمَةً  
 يُقْتَدَى بِهِمْ تُرْمَقُ أَعْمَالُهُمْ وَ تُقْتَبَسُ آثَارُهُمْ تَرَعِبُ الْمَلَائِكَةُ فِي خَلَّتِهِمْ  
 يَمَسُّحُونَهُمْ بِأَجْنِحَتِهِمْ فِي صَلَاتِهِمْ لِأَنَّ الْعِلْمَ حَيَاةَ الْقُلُوبِ وَ نُورُ  
 الْأَبْصَارِ مِنَ الْعَمَى وَ قُوَّةَ الْأَبْدَانِ مِنَ الضَّعْفِ وَ يُنَزِّلُ اللَّهُ حَامِلَهُ  
 مَنَازِلَ الْأَبْرَارِ وَ يَمْنَحُهُ مَجَالِسَةَ الْأَخْيَارِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ بِالْعِلْمِ  
 يُطَاعُ اللَّهُ وَ يُعْبَدُ وَ بِالْعِلْمِ يَعْرِفُ اللَّهُ وَ يُوَحِّدُ وَ بِالْعِلْمِ تُوَصَّلُ الْأَرْحَامُ  
 وَ بِهِ يَعْرِفُ الْحَلَالَ وَ الْحَرَامَ وَ الْعِلْمُ إِمَامٌ [أَمَامٌ] الْعَقْلِ وَ الْعَقْلُ تَابِعُهُ  
 يُلْهِمُهُ اللَّهُ السُّعْدَاءَ وَ يَحْرِمُهُ الْأَشْقِيَاءَ.<sup>۱۵</sup>

علم (الهی و دینی) را فراگیرید؛ به درستی که فراگیری آن  
 حسنه و کاری نیک، بررسی و تحقیق در آن تسبیح و ستایش  
 خدا، بحث و مباحثه آن جهاد و یاد دادن آن به نادان، صدقه  
 و علم نزد خداوند برای اهل آن باعث قرب و نزدیکی به  
 خداست؛ زیرا علم دینی، نشانه‌های حلال و حرام است و چنین  
 علمی، اسلحه‌ای علیه دشمنان دین است. به وسیله علم دینی،  
 خدا اطاعت و عبادت می‌شود و به یگانگی شناخته می‌گردد،  
 صلح ارحام، انجام و حلال و حرام معرفی می‌شود.

یکی از راه‌های پیشگیری از کژی‌های اخلاقی و مفسد اجتماعی مانند روابط ناسالم دختر و پسر نامحرم، بالا بردن آگاهی دینی آنهاست. افزایش آگاهی دینی و شرعی، به ویژه شناخت و رعایت حریم ارتباط با جنس مخالف و پرهیز از دوستی با او، باعث می‌شود فرد، کمتر در معرض این ناهنجاری‌ها قرار گیرد.

## د) نافرمانی از خواهشهای نفسانی

فرمانبری بی‌قید و شرط از خواسته‌های غریزی و خواهش‌های نفسانی، از دیگر عوامل سقوط انسان از ارزشهای متعالی و صفات والای انسانی است که قرآن در آیاتی، از آن نهی فرموده: «...و لا تتبع الهوي فيضلك عن سبيل الله»<sup>۱۶</sup>... و از هوای نفس پیروی مکن که تو را از راه خدا منحرف سازد».

با فرارسیدن بلوغ، گزینه‌های طبیعی، یکی پس از دیگری نمایان می‌شوند و با قدرت نیرومندی بروز می‌کنند. شهوت جنسی، تمایل به خودآرایی، قدرت‌خواهی و سلطه‌طلبی، علاقه به ثروت و نیرومندی و خلاصه عواطف گوناگون و احساسات تند و آتشین دوران جوانی، روح جوانان را طوفانی می‌کند و مسیر اندیشه و رفتارشان را دگرگون می‌کند.

پیروی از گزینه و خواهش‌های نفسانی و بی‌اعتنایی به دریافت‌های وجدانی و فرمان‌های الهی، سرآغاز فساد و تباهی است و انسان را از رسیدن به کمال انسانی و سعادت مادی و معنوی محروم و او را گرفتار عذاب اخروی می‌کند. قرآن کریم با وجود اینکه از پیامبرانی مانند ابراهیم، اسماعیل، اسحاق، یعقوب، موسی و ادريس به نیکی یاد می‌کند و آنان را مشمول نعمت خود، اهل هدایت الهی و برگزیده معرفی می‌نماید، ولی بعضی فرزندان آنان را ناخلف می‌داند و شناسه اصلی آنها را ضایع نمودن نماز و پیروی از شهوات می‌شمارد که نتیجه این گمراهی را خواهند دید:

فخلف من بعدهم خلف اضاعوا الصلوة و اتبعوا الشهوات

فسوف یلقون عیاباً.<sup>۱۷</sup>





...اما پس از آنان، فرزندان ناشایسته‌ای روی کار آمدند که نماز را تباه کردند و از شهوات پیروی نمودند و به زودی (مجازات) گمراهی خود را خواهند دید.

بنابراین، از مهم‌ترین وظایف انسان، تلاش برای مبارزه با هوای نفس و رسیدن به مقام بندگی است که خدای تعالی، ابزار درونی و بیرونی آن را در اختیار بشر قرار داده؛ انسان را با پیامبران بیرونی و کتاب‌های آسمانی و پیامبر درونی‌اش، عقل یاری نموده است. یکی از این ابزار که محرک اصلی انسان برای ترک خواسته‌های نفسانی است، گزینه کمال‌جویی و کمال‌طلبی است که در فطرت انسان قرار داده شده است.

این گرایش در جوان به علت پاکی دل و درون بیشتر است، ولی گاهی موانع قوی‌تری مانند وسوسه‌های شیطان و وجود نفس اماره، مانع حرکت می‌شوند و او با پیروی از هوای نفس، در واقع آرزوی دشمن خود را برآورده ساخته است؛ زیرا به فرموده امام جواد 7: «من اطاع هواه اعطي عِدْوَهُ مُنَاه؛<sup>۱۸</sup> کسی که از هوای نفس خود اطاعت نماید، با این عمل آرزوی دشمن خویش را برآورده است».

دختر یا پسر جوانی که با پیروی از هوای نفس، به دنبال برقراری رابطه ناسالم با جنس مخالف است و به روابط گناه‌آلود تن می‌دهد؛ از سخن گفتن با او لذت می‌برد و با گفتار و حرکات مهیج، جنس مخالف را به سوی خود دعوت می‌کند، زمینه خواری و ذلت خود را فراهم آورده و به فرموده امام علی 7، خداوند نیز او را خوار خواهد کرد: «من تلذذ معاصي الله اورثه الله ذُلًّا؛<sup>۱۹</sup> هر که از معاصی خداوند لذت برد، خداوند او را به خواری افکند».

بهترین و کاربردی‌ترین نسخه درمان جوانانی که از مسیر حق منحرف شده و با برقراری روابط گناه‌آلود در دام شیطان افتاده‌اند و خواهان رهایی‌اند، در قرآن بیان شده است. وعده‌ها و بشارت‌های قرآن به کسانی که تلاش می‌نمایند در مسیر حق و بندگی خدای تعالی قدم بردارند، در آنان الهام‌بخش و انگیزه‌آفرین می‌شود:

و اما من خاف مقام ربه و نهى النفس عن الهوى فإن الجنة هي المأوى.<sup>۲۰</sup>  
و آن کس که از مقام پروردگارش ترسان باشد و نفس  
را از هوی باز دارد، قطعاً بهشت جایگاه اوست.

در حدیث نیز آمده:

من عرضت له فاحشة او شهوة فاجتنبها من مخافة الله عزوجل  
حرّم الله عليه النار و امنه من الفرع الاكبر و انجز له ما وعده، في كتابه  
في قوله تعالى: «و لمن خاف مقام ربه جنتان».<sup>۲۱</sup>

کسی که کار زشت و یا شهوتی به او پیشنهاد شود و او  
از ترس خدا از آن اجتناب کند، خداوند آتش جهنم را بر او  
حرام می‌کند و او را از فزع بزرگ قیامت در امان می‌دارد و  
وعده‌هایی که در آیه شریفه آمده عملی خواهد نمود.

نوجوان و جوانی که گرفتار برخی ناپسندهای اخلاقی و روابط ناسالم اجتماعی است،  
می‌تواند با یاری خواستن از خدای تعالی، توکل به او، پشتکار و اراده قوی و ایمان به  
بشارت‌های الهی، عفت و ورزد و به این رهنمود قرآن عمل نماید که: «وليستعفف الذين  
لا يجدون نكاحاً حتى يغنيهم الله من فضله»<sup>۲۲</sup> و کسانی که امکانی برای ازدواج نمی‌یابند، باید  
پاکدامنی پیشه کنند تا خداوند از فضل خود، آنان را بی‌نیاز گرداند». مربیان تعلیم و تربیت  
برای حل این مشکل، دو رهنمود داده‌اند که قابل توجه است:

اول: آنکه جوان از ابتدا، بروز تمایل جنسی و آشکار شدن  
خواهش‌های غریزی، تمنیات شهوی خویش را با نیروی ایمان و  
عقل جوان مهار کند؛ چه اگر از اول، شهوات محدود نشوند و غرایز،  
خودسر و لجام‌گسیخته بار آیند، صاحب خود را اسیر و فرمان‌بردار  
خویش می‌سازند و در تمام دوران حیات بر وی حکومت می‌کنند. به  
فرموده امام علی 7: «غالب الشهوة قبل قُوَّةِ ضراوتها فإنها ان قويت



مَلَكْتِكَ وَاِسْتِقْدَاتِكَ وَاَلَمْ تَقْدِرْ عَلٰى مُقَاوَمَتِهَا؛<sup>۲۳</sup> بر شهوت خویش مسلط شو پیش از آنکه قدرت تجری پیدا کند و به تندروی عادت نماید؛ چه آنکه اگر شهوت در خودسری و تجاوز نیرومند گردد، مالک و فرمانروای تو می‌شود و به هر سو که بخواهد می‌کشاندت و تو در مقابل نیروی آن، تاب مقاومت نخواهی داشت».

دوم: موقعی که جوان با ناسازگاری غریزه و وجدان مواجه می‌شود، در اتخاذ تصمیم، تردید و دودلی به خود راه ندهد و در اطراف گناه فکر نکند و نگذارد صفحه خاطرش، میدان کشاکش غریزه و وجدان گردد، بلکه از همان لحظه اول، از وجدان اخلاقی پیروی کند و در کمال صراحت و قاطعیت، تمایل غیرمشروع غریزی خویش را سرکوب نماید؛ چه آنکه فکر کردن پیرامون گناه، تدریجاً آدمی را جری و جسور می‌کند و به راه ناپاکی و گناه سوق می‌دهد.<sup>۲۴</sup>

به فرموده حضرت علی 7: «مَنْ كَثُرَ فِكْرُهُ فِي الْمَعَاصِي دَعَتْهُ اِلَيْهَا؛<sup>۲۵</sup> کسی که در اندیشه گناه باشد و پیرامون (!) آن بسیار فکر کند، سرانجام همان افکار بد و اندیشه‌های پلید، او را به ارتکاب گناه می‌خواند».

بنابراین، برای مهار غریزه، پرهیز از اندیشیدن به صحنه‌های محرک، نگاه‌های مسموم و مناظر تحریک‌آمیز، نشست‌های غفلت‌زا، دوستان ناباب و گوش سپردن به سخنان تحریک‌آمیز از سویی و میانه‌روی در خوردن، روزه گرفتن، تلاوت قرآن، ورزش و سرگرمی‌های مفید از سوی دیگر، از راهکارهای مؤثر است.

## هـ) حضور در مسجد و جلسه‌های مذهبی

حضور در مسجد، جلسات قرائت قرآن و هیأت‌های مذهبی، نوجوانان و جوانان را با معارف اسلامی و ارزش‌های اخلاقی آشنا می‌سازد و به شکوفایی شخصیت اجتماعی آنها کمک

می‌کند. رفتار چنین افرادی پختگی بیشتری دارد، در رعایت هنجارهای اجتماعی، توفیق بیشتری دارند و کمتر در معرض کژوی و آلودگی قرار می‌گیرند:

نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که وجود هیئت‌ها و جلسات مذهبی در سطح شهرها و محله‌ها در دادن گونه‌ای «هویت اجتماعی - مذهبی» مناسب به نوجوانان و جوانان، تأثیر به‌سزایی داشته‌اند. در یک بررسی اجمالی در میان افرادی که در دوره نوجوانی و جوانی در هیئت‌های مذهبی، در مدت نسبتاً طولانی یعنی، بیش از دو یا سه سال حضور داشته‌اند، نشان می‌دهد که این افراد به لحاظ هویت اجتماعی، کمتر دچار آشفتگی شده‌اند، لذا اهداف خویش را در زندگی مبهم و گنگ نمی‌یابند».<sup>۲۶</sup>

انس با قرآن و تلاوت آیات الهی نیز جوان را چنان در معنویات پرواز می‌دهد که لذت‌های مادی را کوچک می‌شمارد و سرگرمی‌های کودکانه را پیش‌پا افتاده می‌انگارد. او از هر فرصتی برای ارتباط با کتاب هدایت بهره می‌جوید و با استفاده از دستوره‌های هدایت‌گر **قرآن کریم**، راه سعادت و کمال را می‌پیماید. امام صادق 7 درباره انس جوانان با **قرآن** می‌فرماید: «من قرأ القرآن و هو شابٌ مؤمن اختلط القرآن بلحمه و دمه؛<sup>۲۷</sup> اگر جوان مؤمن **قرآن** را تلاوت کند (و با **قرآن** انس بگیرد)، آیات الهی با گوشت و خونس آمیخته می‌شود (و در اعماق جانش اثر می‌گذارد)».

امروزه تأثیر خواندن **قرآن** در درمان بیماری‌های روانی و جسمی ثابت شده است. پروفیسور **وان دره‌وون** روانشناس، از تأثیر مثبت «ذکر نام جلاله خداوند» و خواندن **قرآن کریم** در سلامتی انسان خبر داد. وان دره‌وون هلندی، این خبر را پس از پژوهش‌های مستمری اعلام کرد که سه سال به طول انجامید. وی گفت: «این بررسی‌ها نشان می‌دهد که قرائت منظم **قرآن کریم**، از انسان در مقابل تمامی مشکلات روانی دفاع می‌کند و نیز نقش مهمی در معالجه بیماری‌های روانی دارد».<sup>۲۸</sup>



## و) اشتغال، ورزش و سرگرمی های مفید

در فرهنگ اسلام، کار و تلاش جایگاه رفیعی دارد. در قرآن کریم آیات متعددی بیانگر آن است که خداوند جهان را در تسخیر انسان قرار داد و به او افزون بر قدرت جسمانی، نیروی عقل و درک و شعور نیز عنایت فرمود تا با استفاده از آن به کار و تلاش و هموار نمودن مسیر کمال، بپردازد.<sup>۲۹</sup> در برخی آیات نیز امر به کار نموده و می فرماید: «وَابْتَغِ فِيهَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا؛<sup>۳۰</sup> در آنچه خداوند به تو عطا کرده، سرای آخرت را بجوی و بهره خود را از دنیا فراموش نکن.»

در روایات نیز کار و تلاش برای کسب روزی حلال به جهاد در راه خدا مانند شده و کسی که اینچنین تلاش می کند، مجاهد است.<sup>۳۱</sup> همچنین کسب روزی حلال، برترین عبادت شمرده می شود. رسول اکرم ﷺ فرمود: «الْعِبَادَةُ سَبْعُونَ جُزْءًا أَفْضَلُهَا طَلَبُ الْحَلَالِ؛<sup>۳۲</sup> عبادت، هفتاد جزء است و برترین اجزاء آن، کسب و کار حلال و مشروع است.»

آموزه های روایی نیز خواب و بی کاری را مورد غضب خداوند متعال می داند و امام صادق 7 بدان اشاره فرموده: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُغْضُ كَثْرَةَ النَّوْمِ وَ كَثْرَةَ الْفَرَاغِ؛ خداوند جلیل و عزیز، خواب بسیار و بی کاری بسیار را دوست ندارد و این دو، مورد غضب خداوند است.»<sup>۳۳</sup> ایشان خواب و بی کاری زیاد را باعث تباه شدن دین و دنیای انسان می داند: «كَثْرَةُ النَّوْمِ مَذْهَبَةٌ لِلدِّينِ وَ الدُّنْيَا»؛<sup>۳۴</sup> چراکه در زمان بی کاری، هم مواد غذایی برای تقویت گزینه مصرف می شود و هم این زمان، با فکر و خیال پر می شود؛ خیالاتی که گاه شخص را از حقیقت و واقعیت دور می نماید. از این رو در روایات، بر اشتغال و کار و پرهیز از بی کاری، تأکید بسیار شده است. از امام صادق 7 نقل شده که به یکی از فرزندان خود فرمود: «إِيَّاكَ وَ الْكَسَلَ وَ الصَّبْرَ فَإِنَّهَا يَمْنَعَانِكَ مِنْ حَظِّكَ مِنَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ...»<sup>۳۵</sup> از تنبلی و بی حوصلگی پرهیز؛ زیرا این دو خصلت، تو را از بهره دنیا و آخرت باز می دارند.» در سیره امام علی 7 نیز گفته اند:

كان امير المؤمنين 7 يخرج في الهاجرة في الحاجة قد كُفِّيها يُرِيد ان

يراه الله تعالى يتعب نفسه في طلب الحلال؛<sup>۳۶</sup>

امام علی 7 در هوای داغ نیم‌روز برای کار کردن بیرون می‌رفت، درحالی که نیازی نداشت (خودش برود). علتش این بود که می‌خواست خداوند متعال ببیند او برای کسب روزی حلال زحمت می‌کشد. بنابراین در روایات، بر تلاش برای به دست آوردن شغل سالم و پرهیز از تنبلی و بیکاری تأکید شده است. در حدیث دیگری وارد شده:

پیامبر خدا 9 هرگاه به کسی نگاه می‌کرد و از او خوشش می‌آمد، می‌فرمود: شغلی هم دارد؟ اگر می‌گفتند: نه، می‌فرمود: از چشمم افتاد. عرض می‌شد: چرا ای رسول خدا؟! می‌فرمود: زیرا اگر مؤمن شغل و حرفه‌ای نداشته باشد، دین خود را وسیله امرار معاشش می‌کند.<sup>۳۷</sup>

اگر نوجوان و جوان، به ورزش منظم و سبک و مطالعه مفید نیز عادت نماید و نیرو و توان خود را بر تحصیل دانش بگمارد و اوقات فراغتش را در کانون‌های فرهنگی و تفریحی و فعالیت‌هایی از این دست پر کند، کمتر در معرض کج‌رفتاری‌ها و روابط نامشروع و ویران‌گر قرار می‌گیرد.

## ۲. راهکارهای خانوادگی

پس از بیان برخی راه‌کارها که مربوط به نوجوان و جوان است، اینک به بررسی وظایف خانواده در این زمینه می‌پردازیم. طبق آیه شریفه:

یا ایها الذین امنوا قوا انفسکم و اهلیکم نارا و قودها الناس و الحجارة.<sup>۳۸</sup>

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده خویش را

از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست، نگه دارید.

و حدیث امام علی 7: «کل امری مسئولٌ عمّا ملکت یمینه و عیاله»<sup>۳۹</sup> هر مردی درباره مملوکان و خانواده خود بازخواست می‌شود»، خانواده در تربیت فرزندان نقش بسیار مهمی دارد. در این بخش، تلاش بر آن است که به مهم‌ترین وظایف خانواده در پیشگیری از



ناهنجاری‌های اخلاقی و اجتماعی اشاره شود. بدیهی است نقش خانواده در این زمینه و تأثیر والدین بر فرزندان، بیش از آن است که در اینجا گفته می‌شود.

## الف) ایجاد فضای محبت و احترام

در آموزه‌های دینی ما، به چگونگی رابطه همسران با یکدیگر، توجه ویژه‌ای شده است و برای هر یک از آنان حقوق و تکالیفی معین شده که تلاش برای ایجاد رابطه صمیمی و محبت‌آمیز همراه با رعایت احترام و حفظ شخصیت همسر، یکی از آنهاست. این همه سفارش درباره ازدواج، خانواده، نوع برخورد زن و شوهر با هم و... در روایات - برای نمونه دو جلد از کتاب ارزشمند *وسائل الشیعه* - بدان دلیل است که خانواده و به ویژه پدر و مادر، در شکل‌گیری شخصیت فرزند و تثبیت خلق و خوی او در کودکی و بزرگسالی و به طور کلی، در سعادت یا شقاوت او، نقش مهم و مؤثری دارند. از این رو در *قرآن کریم* آیات متعددی در مورد ازدواج و خانواده آمده که از جمله آنها می‌توان به آیه «...و عاشروهن بالمعروف»<sup>۴۰</sup> و آیات دیگری<sup>۴۱</sup> که به مردان برای برخورد پسندیده و نیکو با همسرانشان سفارش می‌کند، اشاره نمود. احادیثی نیز هست که نگاه مهربان زن و شوهر به یکدیگر را موجب نشاط آنان می‌داند.<sup>۴۲</sup> احادیث دیگری، از تأثیر ابراز محبت زن و شوهر نسبت به هم، در آنها و به دنبال آن در فرزندانشان سخن گفته است.

بنابراین، دریافت محبت لازم از سوی همسر و رعایت احترام و شخصیت او باعث به وجود آمدن فضای گرم و صمیمی در منزل می‌شود که افزون بر ایجاد حس رضایت‌مندی و آرامش و نشاط در زن و شوهر، فرزندان را نیز از سرچشمه این محبت سیراب می‌نماید. به گفته شهید مطهری:

مرد مانند کوهسار است و زن به منزله چشمه و فرزندان به منزله گل‌ها و گیاه‌ها. چشمه باید باران کوهساران را دریافت و جذب کند تا بتواند آن را به صورت آب صاف و زلال بیرون دهد و گل‌ها و



گیاهها و سبزهها را شاداب و خرم نماید. اگر باران به کوهستان نبارد یا وضع کوهسار طوری باشد که چیزی جذب زمین نشود، چشمه خشک و گلها و گیاهها می‌میرند. پس همان طوری که رکن حیات دشت و صحراء، باران و بالأخص باران کوهستانی است، رکن حیات خانوادگی، احساسات و عواطف مرد نسبت به زن است. از این عواطف است که هم زندگی زن و هم زندگی فرزندان، صفا و جلا می‌گیرد.<sup>۴۳</sup>

بی‌تردید، اگر فرزندان در خانواده به میزان کافی محبت دیده باشند و نیاز عاطفی آنها در خانواده تأمین شده باشد، این رابطه محبت‌آمیز و صمیمانه از سویی سبب می‌شود «راز» هایشان را پیش از هر کس با پدر و مادر خود در میان بگذارند تا این راهنمایان صمیمی و مشاوران دلسوز و مورد اعتماد، نقش ارشادی خود را در زندگی فرزندان ایفا کنند و در مواقع نیاز و در لحظات بحرانی در کنار فرزندان باشند. از سوی دیگر، رابطه صمیمانه پدر و مادر، در آرامش روحی و فکری فرزندان بسیار مؤثر خواهد بود. بنابراین، احساس نیاز یا کمبود نمی‌کنند تا برای جبران آن ناخواسته در دام روابط نادرست با جنس مخالف و یا دوستی‌های ناسالم گرفتار شوند. از این‌رو، برای محافظت از فرزندان در برابر ناهنجاری‌های اخلاقی و اجتماعی، نیاز به تذکرها پی در پی، کنترل‌های محسوس و نادرست، امر و نهی‌های خسته‌کننده و... نیست؛ اولین و مهم‌ترین مانع در برابر کج‌اندیشی و کج‌رفتاری نوجوانان و جوانان، پرورش آنان در خانواده‌ای سرشار از محبت، صمیمیت و پایبندی به اصول اخلاقی و اسلامی است.

## ب) اختصاص زمان برای تبادل نظر با جوان

ارتباط سالم والدین با فرزندان، کمک بزرگی به شکل‌گیری شخصیت پایدار و سالم آنها می‌کند. این ارتباط هر چه بیشتر باشد، فرزندان را پخته‌تر و با انگیزه‌تر می‌سازد. به گفته برخی بزرگان:



یک انسان هر چند نابغه و از نوادر هم باشد، اگر در اجتماع ریشه نزند و با دیگران ارتباط پیدا نکند، تدریجاً خشک می‌شود و از بین می‌رود. تمام انسان‌ها مانند گیاهانی هستند که در زمین یکدیگر ریشه می‌زنند و از همدیگر تغذیه می‌نمایند؛ مثلاً مادران در فرزندان ریشه دارند و فرزندان نیز در مادران. وقتی این دو را از همدیگر جدا کنی، هر دو پژمرده و آشفته حال می‌شوند. این ریشه‌ها و محبت‌ها یک ارتباط قلبی است... تربیت فرزندان همیشه با نصیحت و پند و اندرز نیست، بلکه برقرار کردن ارتباط‌های سالم و مفید، بیشتر از پند و اندرز در کودکان تأثیر مثبت دارد.<sup>۴۴</sup>

این ارتباط برای نوجوان و جوان - به دلایلی چون شکل‌گیری هویت - اهمیت بیشتری دارد. پدر و مادر موظف‌اند دوستانه، زمان مشخصی را برای گفتگو و نظرخواهی از فرزندان خود اختصاص دهند تا فرزندان نیز بتوانند به راحتی مشکل، نظر، اندیشه و باور خود را در مورد مسائل مختلف با آنان در میان بگذارند. گفتگوی حضرت ابراهیم 7 و اسماعیل 7<sup>۴۵</sup> و حضرت یعقوب 7<sup>۴۶</sup> و فرزندان‌ش، نمونه‌ای قرآنی از این گفتگوهاست. بنا به گفته بعضی کارشناسان مسائل تربیتی:

در زندگی امروز، خانواده‌ای که دارای فرزند نوجوان است، نمی‌تواند به این مسئله بی‌توجه باشد. این قبیل خانواده‌ها باید شرایطی را فراهم آورند که فرزندان‌شان بتوانند به آسانی افکار و تمایلات خویش و مشکلات و تعارضات خود را با والدین و حتی با برادران و خواهران خویش در میان بگذارند. خانواده‌ای که نوجوان در آن احساس بیگانگی و تنهایی می‌کند و کسی را به عنوان هم‌راز و هم‌سخن و هم‌کلام نمی‌یابد، نمی‌توان آن را خانواده مطلوبی به لحاظ تربیتی به شمار آورد.<sup>۴۷</sup>

نتیجه اینکه اگر خانواده این وظیفه را به درستی انجام ندهد، فرزندان از حوزه کشش خانواده خارج می‌شوند و در معرض جذب عوامل محیطی قرار می‌گیرند و چه بسا به سادگی، راه انحراف در پیش گیرند، ولی زمانی که فرزندان با خانواده پیوندی محکم دارند، از بسیاری آفتها و روابط ناسالم در امان می‌مانند.

## ج) بهبود بینش جوان

دادن بینش از روش‌های تربیتی *قرآن* است. در این روش، آگاهی انسان دگرگون شود. دگرگونی در بینش، از لوازم تغییر رفتار است. کلمه «بینش» (بصیرت)، انطباق کامل معنایی با کلمه «آگاهی» (علم) ندارد. هر آگاهی‌ای، بینش نیست. بینش، نوعی آگاهی ژرف است که آدمی را با واقعیت مورد نظر پیوند می‌دهد، ولی آگاهی، ممکن است سطحی، کم‌دامنه و در نتیجه، گمراه‌کننده باشد. بر این اساس، خداوند گاه منحرفان را «آگاه» می‌داند، ولی همواره «بینش» آنان را نفی می‌کند<sup>۴۸</sup> و می‌فرماید: «یعلمون ظاهراً من الحیوة الدنيا»<sup>۴۹</sup> آنها فقط ظاهری از زندگی دنیا را میدانند.

این شیوه تربیتی، هم در جامعه و برای دعوت افراد به حق و حقیقت کاربرد دارد، و هم در خانواده از روش‌های مهم و مؤثر در تربیت فرزندان است. بنابراین، فقط آگاه نمودن نوجوان و جوان از مسائل و جنبه‌های مختلف زندگی کافی نیست، بلکه این آگاهی باید ژرف و گسترده باشد. اگر فرزندان به گونه‌ای تربیت شوند که خوب را از بد، سالم را از ناسالم و مفید را از مضر جدا کنند، به بینش و بلوغ فکری دست یافته‌اند؛ یعنی می‌توانند صلاح و فساد خود را نیز تشخیص دهند. بنابراین با اجرای کامل و صحیح این روش تربیتی، نیاز به یادآوری پی‌درپی مسائل، کنترل‌های نادرست و... نیست؛ زیرا نوجوان و جوان خود به این درک و بینش رسیده که بداند در ارتباط‌های فردی و اجتماعی خود چگونه عمل نماید.

پندهای حکیمانه لقمان حکیم به فرزندش در سوره لقمان و پندهای حضرت علی 7 به امام حسن 7 در نامه 31 *نهج البلاغه*، نمونه‌هایی *قرآنی* از اعطای بینش به



فرزندان است. بالا بردن بینش نوجوان و جوان در مورد برقراری رابطه دوستی با جنس مخالف در چند محور قابل بررسی است:

### یکم) بسنده نکردن نوجوان و جوان به روابط نخستین و سطحی

یکی از مباحث امروزی در ارتباطات، بحث «ارتباطات میان فردی» است که اصول و ویژگی‌هایی دارد که ما برای رعایت اختصار، به بررسی یکی از آنها می‌پردازیم. بر اساس اصل «توسعه و تداوم روابط در ارتباط میان فردی»، ارتباط فقط برای انتقال معانی انجام نمی‌پذیرد، بلکه به تولید معانی و مبادله شناخت‌های دیگر نیز منتهی می‌شود. دختر و پسری که با هم صحبت می‌کنند، هم‌زمان با بیان انتظارات، شکل برخورد با یکدیگر را نیز می‌آموزند و سطح دوستی خود را (ساده یا عاشقانه) به دست می‌آورند. آنها می‌آموزند که چگونه همدیگر را راضی نگه دارند و اختلاف موجود را حل و فصل کنند. بنابراین ارتباط‌های انسانی ایستا نمی‌شوند و نمی‌توان گفت این ارتباط تا چه سطحی پیش می‌رود.<sup>۵۰</sup>

اظهار محبت با جنس مخالف و برقراری رابطه با او، از همین موارد است که با سلام و احوال‌پرسی ساده و کوتاه و با انگیزهای آموزشی و... آغاز می‌شود، ولی به تدریج نوع رابطه و گفتگو تغییر می‌کند، مدت زمان آن بیشتر می‌شود و گاه تا جایی پیش می‌رود که تمام توان و زمان جوان برای حفظ این رابطه و گفتگو هزینه می‌شود و چون گستره و تداوم این ارتباط در اختیار او نیست، چه بسا تا مرزهای پیش‌بینی نشده و گاه ناشناخته پیش برود که دو طرف انتظار آن را نداشتند و خود را برای آن آماده یا لوازم آن را فراهم نکرده بودند. بی‌توجهی به این امور، بسیاری از دختران و پسران را از این ارتباط، پشیمان می‌کند. مرحوم علامه طباطبایی در «المیزان»، ذیل آیه:

... فانكوهنّ باذن اهلهنّ و اتوهنّ اجورهنّ بالمعروف محصنات

غیرمسافحات و لامتخذات أخذان؛<sup>۵۱</sup>

... آنها را با اجازه صاحبان آنان تزویج نمایید و مهرشان

را به خودشان بدهید؛ به شرط آنکه پاکدامن باشند، نه به

طور آشکار مرتکب زنا شوند و نه دوست پنهانی بگیرند.

می‌فرماید:

کلمه «اخذان» جمع «خدن» است که به معنای «دوست» و مذکر و مؤنث و مفرد و جمعش یکسان است؛ یعنی هم به دوست مذکر «خدن» گفته می‌شود و هم به دوست مؤنث. هم به جماعت دوستان خدن گفته می‌شود و هم به یک فرد و اگر در مورد بحث به صیغه جمع آمده، برای این بود که در دلالت بر کثرت و زیادی تصریح داشته باشد و بفهماند وقتی کسی به منظور فحشا و زنا کردن دوستی می‌گیرد به او و مثل او قناعت نمی‌کند؛ چون نفس آدمی حریص است. اگر قرار باشد خواست نفس را برآورد و آن را اطاعت کند، حتماً دوستان زیادی برای فحشا می‌گیرد.<sup>۵۲</sup>

اگر جوان به این واقعیت آگاه شود، هرگز به سوی چنین روابطی گام برنمی‌دارد و به یقین، والدین باید این بینش را در او ایجاد کنند.

## دوم) تبیین انگیزه برقراری روابط

در بررسی انگیزه دختر و پسر از برقراری روابط ناسالم به این نتیجه می‌رسیم که اگرچه اهدافی مانند کنجکاوی، سرگرمی، پرکردن وقت‌های خالی، کمبود محبت، انتقام گرفتن از جنس مخالف و شناخت بیشتر برای ازدواج مطرح می‌شود، ولی این نکته را نباید از نظر دور داشت که دختران در قوای عاطفی و خُلقی بسیار حساس‌تر و هیجان‌پذیرترند. به همین دلیل خیلی زود دل‌باخته می‌شوند. بیشتر دخترانی که فریب می‌خورند و سقوط می‌کنند، به خاطر میل جنسی تسلیم جنس مخالف نمی‌شوند، بلکه زودباوری و حس محبت، دوستی و فداکاری است که به این رابطه کشش پیدا می‌کنند. برخی بر این باورند که هدف دختران از برقراری این نوع روابط، ارضای نیاز عاطفی، جلب محبت جنس مخالف و یا محبت کردن به اوست، ولی ابراز علاقه و عشق پسران به دختران، در وهله اول از روی انگیزه جنسی و



تسکین حس شهوانی است.<sup>۵۲</sup> شاید علت این تفاوت نگاه را بتوان در تفاوت‌های زن و مرد جستجو کرد که به گفته شهید مطهری:

مرد، بنده شهوت خویشتن است و زن، در بند محبت مرد است...  
مرد می‌خواهد شخص زن را تصاحب کند و در اختیار بگیرد و زن می‌خواهد دل مرد را مسخر کند و از راه دل او بر او مسلط شود.<sup>۵۴</sup>  
آگاهی دختر از هدف و انگیزه پسر، برای پرهیز از نزدیکی به چنین روابطی به او کمک خواهد کرد و آگاهی او از هدف پسر از برقراری این ارتباط، برای دختر بسیار تلخ و ناگوار خواهد بود و هیچ‌گاه به دنبال برقراری چنین روابطی نخواهد بود. مسئولیت این آگاهی بخشی، ابتدا بر عهده خانواده است.

### سوم) قطع جریان سودرسانی

اصولاً برقراری ارتباط با دیگران با انگیزه رسیدن به اهداف مورد نظر است که این اهداف ممکن است مادی- معنوی و یا روحی- جسمی و... باشد. برقراری ارتباط با دیگران گاه به علت ترس از آنهاست و گاهی مبتنی بر طمع است؛ به این معنا که علت ارتباط، تأمین نیاز و کسب سود است. چنین رابطه‌ای برای تطمیع، فراخوانده می‌شود و هدفش، رسیدن به خواسته‌های مورد نظر است و تا زمانی پایدار می‌ماند که خواسته‌های فرد تأمین شود. با پایان یافتن سودرسانی، رابطه نیز قطع می‌شود و شکایت و بدگویی و ناسپاسی، آغاز می‌شود. این قاعده در دوستی‌های دختران و پسران جوان نیز به روشنی پیدا است.<sup>۵۵</sup>

### چهارم) جلوگیری از گزینش صحیح همسر

این نوع روابط، چون بر اساس عشق سطحی و وابستگی طرفین به یکدیگر ایجاد شده است، مانع گزینش صحیح و دقیق همسر آینده خواهد شد؛ چراکه وجود این علاقه، مانع دیدن عیب‌های طرف مقابل خواهد شد و وقتی کسی در فرد مورد علاقه خود فقط نیکی‌ها

و خوبی‌ها را می‌بینند، ضعف‌ها و عیب‌های او مخفی می‌ماند. به فرموده امام علی 7: «عین‌المحب عمیة عن معایب‌المحبوب و اذنه صماء عن قبح مساویه»<sup>۵۶</sup> چشم عاشق از دیدن عیب‌های معشوق کور است و گوش او از شنیدن زشتی‌هایش، کر. چنین فردی، پس از ازدواج و فروکش کردن جوشش احساسات و عواطف و غرایز، کم‌کم به زشتی‌ها و کژی‌های طرف مقابل پی می‌برد و متوجه نامناسب بودن آن فرد برای همسری می‌شود که این آگاهی دیگر برای او ثمری ندارد.

### پنجم) دست نیافتن به خوشبختی در ازدواج

اگرچه شماری از این دوستی‌ها به ازدواج منجر می‌شود، ولی این همسران دوره کوتاهی در کنار هم احساس خوشبختی می‌کنند و متأسفانه در بیشتر موارد، این خوشبختی چندان پایدار نمی‌ماند و با گذشت زمان، بدبینی و بدگمانی بر زندگی آنها سایه می‌افکند و ممکن است به طلاق و جدایی نیز منجر شود. والدینی که خود، ارتباط این‌چنینی با یکدیگر داشته‌اند، هم نسبت به همسر خود همواره بدگمان‌اند و هم بر فرزندان خود کنترل بیشتر و گاه نامتعارف و خسته‌کننده دارند.

### ششم) سرچشمه داشتن این روابط در حس حقارت

گاهی برقراری چنین روابطی، ناشی از احساس حقارت در وجود نوجوان و جوان است. اگر نوجوان و جوان احساس کرامت و ارزشمندی نماید، هرگز خود را اسیر چنین روابطی نمی‌نماید. روابط و رفتارهایی این‌چنینی؛ ریشه در احساس حقارت دارد. کسی که در ژرفای وجود خود، خویشتن را موجودی خوار و بی‌مقدار می‌داند، در پی آن است که این حقارت را از خود دور سازد و به‌گونه‌ای خود را مطرح نماید. در این موارد، وظیفه پدر و مادر این است که فرزند خود را متوجه ارزش انسانی خویش کنند و تاج کرامتی که خداوند بر سر او نهاده و مفتخر به «اشرف مخلوقات»<sup>۵۷</sup> ش کرده، به او یادآوری کنند. در شماری از آیات



قرآن، با عبارات مختلف، کرامت انسان یادآوری شده است که از آن جمله می‌توان به این آیه اشاره نمود:

و لقد کرّمنا بنی ادم و حملناهم فی البر و البحر و رزقناهم من الطیبات و فضلناهم علی کثیر من خلقنا تفضیلاً.<sup>۵۷</sup>

ما آدمی‌زادگان را گرامی داشتیم و آنها را در خشکی و دریا، (بر مرکب‌های راهوار) حمل کردیم و از انواع روزی‌های پاکیزه به آنان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده‌ایم، برتری بخشیدیم....

پس بر پدر و مادر لازم است فرزندان را که گاه به دلیل درگیری درونی و بیرونی، نگرانی و اضطراب و یا مظاهر زندگی مادی امروز و هنجار جلوه دادن ناهنجارها، در خود احساس حقارت و کوچکی می‌کنند، متوجه کرامت ذاتی خود نموده و به آنها گوشزد نمایند کسی که به کرامت و ارزش انسانی خود آگاه است، به سمت آلودگی‌ها و روابط ناسالم نمی‌رود؛ چراکه به فرموده امام علی 7: «من فضلناه علیه نفسه هانت علیه شهواته»<sup>۵۸</sup> هر کس را نفس، کریم و بزرگوار شد (خود را ارجمند دانست) شهوت‌هایش نزد او خوار می‌گردد (از آن پیروی نمی‌کند)». چنین کسی خود را به «ثمن بخش» نمی‌فروشد: «إنّه لیس لانفسکم ثمنٌ الا الجنة فلا تبعوها إلا بها»<sup>۵۹</sup> برای جان‌های شما بهایی جز بهشت نیست. پس خود را به غیر از بهشت مفروشید».

نکته مهم دیگری در این مورد، این است که والدین، افزون بر توجه دادن نوجوان و جوان به کرامت و ارزش وجودی خود، موظف‌اند زمینه بروز و پرورش استعداد‌های او را در عرصه‌های مختلف نیز فراهم نمایند. او با درخشش در میادین گوناگون و بروز استعداد‌هایش، نیازی به مطرح نمودن خود و جبران کمبودهایش با روابط ناسالم ندارد.

## د) اهتمام به تربیت و تقویت باورهای دینی و مذهبی

افراد، به میزان برخورداری از تعلیم و تربیت دینی و پایبندی به وظایف دینی، تصمیم‌ها و جهت‌گیری آنها در زندگی اجتماعی نیز دینی است و میزان لغزش و انحراف آنها نسبت به دیگر افراد، پایین‌تر است. نخستین نهادی که این باورها و نگرش‌ها را در افراد تقویت می‌کند، خانواده است که بر اساس حدیث پیامبر اکرم  $\text{ﷺ}$ : «مَا مِنْ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ إِلَّا عَلَى الْفِطْرَةِ فَأَبَوَاهُ اللَّذَانِ يَهُودَانِهِ وَ يُنَصِّرَانِهِ وَ يُمَجِّسَانِهِ»<sup>۶۰</sup> هر فرزند بر فطرت الهی متولد می‌شود و والدین هستند(!) که او را یهودی یا مسیحی یا زرتشتی می‌گردانند».

اگرچه انسان اراده و اختیار دارد و در تعیین سرنوشت خود، خیر باشد یا شر، نقش اساسی دارد، ولی این حدیث، بیانگر تأثیر فوق‌العاده خانواده بر افراد است. از آنجا که شناخت خداوند و گرایش به او فطری است انسان، عاقبت به امر خداوند گردن می‌نهد و به او شناخت پیدا می‌کند. والدین موظف‌اند با تربیت صحیح کودک، فطرت او را بیدار نموده و او را به سمت خداجویی و کمال‌یابی سوق دهند.

با اندک دقتی در دستورالعمل‌های دینی تربیت فرزند، روشن می‌شود که تربیت دینی امری تدریجی است و باید به مرور زمان انجام شود؛ یعنی والدین، بر اساس دستورهای اسلامی، باید پیش از ازدواج برای تربیت فرزند اقدام نمایند که این کار، همان توجه فرد به ملاک‌های معین شده دین در انتخاب همسر شایسته است؛ برخلاف تصور برخی که گمان می‌کنند باید از سن تکلیف و یا پیش از آن اقدام به تعلیم و تربیت دینی فرزندان نمود.

بنابراین، توجه دادن به خدا و آموزش‌های دینی به فرزندان باید تدریجی باشد و هر یک، وقت معینی دارد که اگر در زمان مناسب خود آموخته شود، اثرهای نیکو بر جای می‌گذارد و تعلیم قبل و بعد از زمان مناسب، بازدهی لازم را نداشته، باعث کم‌اثر بودن یا بی‌نتیجه ماندن این آموزش‌ها خواهد شد. به همین دلیل است که در حدیثی از امام باقر  $\text{ؑ}$  7 و امام صادق  $\text{ؑ}$  7 که عبدالله بن فضاله آن را روایت کرده، وارد شده که فرمود:

وقتی پسر به سن سه سالگی رسید، به او بیاموزند که هفت





مرتبۀ «لا اله الا الله» بگوید. پس او را آزاد گذارند تا سن او به سه سال و هفت ماه و بیست روز برسد. آنگاه به او آموزش دهند که «محمدرسول الله» بگوید. سپس آزادش بگذارند و چون به چهار سالگی رسید، هفت بار بگوید: «صلی الله علی محمد و آله». باز رها شود تا به سن پنج سالگی برسد. در این هنگام به او بگویند دست راست و چپ تو کدام است؟ پس اگر دست راست و چپ را از هم تشخیص داد، صورتش را به سوی قبله برگردانده و به او گفته شود: سجده کن و همچنین آزاد گذارده شود تا اینکه به سن شش سالگی برسد. پس اگر شش سال بر او گذشت، نماز بخواند و رکوع و سجود به او تعلیم گردد تا اینکه هفت سال او تمام شود. در این زمان به او گفته شود: صورت و دو دستش را بشوید و نماز بخواند. سپس رها شود تا اینکه نه سالش تمام شود. در این سن، وضو را به او یاد دهند و در صورت سهل انگاری او را تنبیه کنند و به نماز دستورش دهند و بر سستی کردن به خواندن نماز تنبیه شود. پس اگر وضو و نماز را یاد گرفت خداوند پدر و مادر آن طفل را مورد رحمت و غفران خویش قرار خواهد داد.<sup>۶۱</sup>

طبق این حدیث و احادیث دیگری که در این زمینه وارد شده، آموزش دینی، تدریجی است و همزمان با آموزش، به تربیت عملی فرزند نیز توجه شود. پیامبر اکرم ص می فرماید:

الولد سید سبع سنین و عبد سبع سنین و وزیر سبع سنین.<sup>۶۲</sup>

فرزند، در هفت سال اول عمر، سیّد و آقا است و در هفت سال دوم، بنده و مطیع و در هفت سال سوم، وزیر و مسئول و طرف شور است.

بنا بر این سخن گهربار، فرزند باید سه مرحله سیادت، اطاعت و وزارت را به خوبی پشت سر گذارد تا با ایمانی مبتنی بر بینش و باورهای دینی - مانند اعتقاد به مبدأ و معاد و هدفمند بودن آفرینش - رشد نماید و دارای ملکه تقوا و خویشتن‌داری شود. در این صورت است که می‌تواند در مقابل خواسته‌های نفسانی‌اش بایستد و بر هوای درون خود که او را به سمت کج‌روی‌های اخلاقی می‌کشاند، چیره شود؛ چراکه خمیرمایه شخصیت او با شیوه صحیح تربیت دینی و اعتقادی، عجین شده است.

با این استدلال می‌توان به جرأت گفت بسیاری از رفتارهای بهنجار یا نابهنجار نوجوان و جوان، ریشه در تربیت دوران کودکی دارد. در مورد رابطه دختر و پسر نیز چنین است؛ تقویت روحیه خویشتن‌داری در فرزندان و الزام آنان به حفظ عفت و حیا و رعایت حریم‌ها، تأثیر زیادی در بازدارندگی از ایجاد روابط ناسالم در نوجوانی و جوانی دارد. به فرموده پیامبر اکرم 9: «اکرموا اولادکم و احسنوا اداہم یغفرلکم»<sup>۶۳</sup> فرزندان خود را گرامی بدارید و آنان را خوب تربیت کنید (که به این ترتیب) آمرزیده شوید.

توجه به زندگی امام علی 7 و فاطمه زهرا 3 که در تربیت فرزندان شایسته و توجه به تربیت روحی و روانی فرزندان خود، خانواده‌ای موفق بودند، راه‌گشای ماست. از امام علی 7، پدر اسوه و نمونه، میراث تربیتی فراوانی باقی مانده است که مفصل‌ترین و ارزشمندترین آنها، نامه سی و یکم *نہج البلاغہ* است. این نامه، منشور تربیتی کامل و جامعی برای همه مربیان، به ویژه پدران و مادران دلسوزی است که همانند امام به وجود رابطه بین سعادت و شقاوت خود و فرزندان، باور راسخ دارند. امام 7 در این نامه به فرزندش، امام حسن 7 فرموده‌اند:

وجدتک بعضی بل وجدتک کُلّی حتی کأنّ شیئاً لو اصابک اصابنی؛<sup>۶۴</sup>

تو را جزئی از خود، بلکه همه خود یافتم تا حدی که هر چه

به تو اصابت کند، گویا به من نیز اصابت می‌کند.

حضرت در قسمت دیگری از این وصیتنامه اخلاقی - تربیتی خود، وظیفه پدر دلسوز



را توجه ویژه به ادب و تربیت فرزند پیش از جوانی، می‌داند:

فَعَنَانِي مِنْ أَمْرِكِ مَا يَعْنِينِي مِنْ أَمْرِ نَفْسِي فَكَتَبْتُ إِلَيْكَ كِتَابِي  
مَسْتَظْهِرًا بِهٖ أَنَا بَقِيَّةَ لَكَ أَوْ فَنَيْتٌ.<sup>۶۵</sup>

و در اندوه افکند مرا کار تو، به طوری که کار خودم مرا  
در اندوه می‌افکند. پس این نامه را برای تو نوشتم درحالی که  
به آن، پشت قوی کردم (وصیت‌نامه‌ای که اگر به آن عمل  
نمایی، خاطر من آسوده باشد) اگر باقی باشم برای تو یا بمیرم.

در جای دیگر، ویژگی تربیت در این دوران را چنین بیان می‌فرماید:

أَنَّمَا قَلْبُ الْحَدِيثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا الْقِي فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبْلَتْهُ،  
فَبَادِرْتُكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَقْسُو قَلْبَكَ وَيَشْتَغَلَ لُبُّكَ.<sup>۶۶</sup>

دل نوجوان همچون زمین خالی است که هر تخم که در  
آن افشانده شود، بپذیرد. پس بر ادب نمودن تو پرداختم،  
پیش از آنکه دلت سخت گردد و عقل و خردت، گرفتار شود.

بنابراین، در اندیشه امام علی 7 بی‌توجهی به تربیت دینی فرزند، از عوامل آسیب‌زا در  
دین‌گرایی نسل جوان است و والدین باید از خردسالی، توجه کافی به تربیت دینی فرزندان  
داشته باشند.

### ه) آماده‌سازی زمینه استقلال و ابراز شخصیت اجتماعی جوان

یکی از وظایف خانواده برای جلوگیری از عوامل روابط ناسالم، تلاش آنها در فراهم‌سازی  
زمینه کسب استقلال و ابراز شخصیت اجتماعی برای نوجوان و جوان است؛ چرا که  
محوری‌ترین گرایش دوره نوجوانی، به دست آوردن استقلال و ابراز خویشتن است. این  
نیروی فطری در درون انسان قرار داده شده تا در زمان مناسب، نوجوان را به تلاش و  
شکوفایی استعدادهایش وادارد. رشد این نیرو، ویژگی‌ها و نشانه‌هایی دارد که از مهم‌ترین



آنها انتظار نوجوان برای کودک ندانستن اوست؛ به شخصیت، فکر و عمل او ارزش دهند، نشان دهند که به او و تصمیم‌گیری‌هایش اعتماد دارند و می‌دانند که او با آگاهی و فهمی که دارد، تصمیم درستی می‌گیرد، اگرچه نباید خود را از راهنمایی و تجربه پدر و مادر بی‌نیاز بداند.

بنابراین، راهنمایی و هدایت والدین باید به گونه‌ای باشد که فرزندان، همزمان با بلوغ سنی، بلوغ فکری و استقلال خود را نیز به دست آورند. هر برخوردی که نشان دهد اطرافیان، به استقلال و شخصیت او ارزش لازم را نمی‌دهند، واکنش روانی پنهان یا آشکار او را در پی خواهد داشت. گاه ممکن است این واکنش‌ها، شدید باشد و رفتارهای نامناسب اجتماعی از او سر بزند که برقراری رابطه ناسالم با جنس مخالف، یکی از آنهاست.

از سوی دیگر، نوجوان و جوان با رشد شخصیت باید به این بینش و آگاهی دست یابد که شخصیت اجتماعی انسان و قدرت و جاذبه اجتماعی او - آنگونه که برخی می‌اندیشند - در هنجارشکنی و انجام کارهای خلاف شرع و عرف، مانند بدحجابی، پیروی از «مد»‌های ناپسند، دوستی با جنس مخالف و... نیست. در این صورت، به کشف استعدادهای درونی خود اقدام می‌کند و در سایه تعادل شخصیت و استقلال اندیشه، می‌تواند با آرامش خاطر، فرصت کنجکاوی، نوآوری و کشف محیط و طرح اندیشه‌های نو را بیابد و از این راه، شخصیت و قدرت اجتماعی خود را آشکار می‌کند. از این رو بر پدر و مادر است که آزادی‌های عقلی و دینی نوجوان و جوان را محترم شمارند و زمینه را برای دستیابی او به زندگی مستقل فراهم نمایند. اینگونه، جوان نیز برای ابراز شخصیت اجتماعی، نیازی به شکستن هنجارها و زیر پا نهادن حریم‌های ارزشی نمی‌بیند. به گفته برخی روانشناسان:

برای اینکه نوجوانان و جوانان از شخصیت مستقل، متعادل و متعالی که جوهره شکوفایی وجود و خلاقیت‌های ذهنی است، برخوردار شوند، باید زمینه‌های تلاش و حرکت آنها را به تناسب رشد شخصیت و تحول ذهنی‌شان فراهم ساخت و موانع پیشرفت

## و) آموزش مناسب در مورد جنس مخالف

گاه نوجوان و جوان گمان می‌کند جنس مخالف او که اکنون اقدام به دوستی با او نموده، بی‌عیب و نقص و فرشته نجات اوست و به همین دلیل در دام دوستی او گرفتار می‌شود. یکی از وظایف پدر و مادر این است که در فرصت‌های مناسب، درباره واقعیت‌های روحی و رفتاری جنس مخالف، ویژگی‌های دختران و پسران و واکنش مناسب در مقابل این ویژگی‌ها را به فرزندان بیاموزند. نوجوان و جوان باید بداند جنس مخالف، همچون خود او، ویژگی‌های مثبت و منفی گوناگونی دارد و با برخورداری از توانایی‌هایی ویژه، ناتوانایی‌هایی نیز دارد. تصویری که نوجوان و جوان از جنس مخالف دارد، نباید با تصویری که از اعضای خانواده خود دارد، چندان متفاوت باشد. چنین شناختی در تصمیم‌گیری و تنظیم روابط درست با دیگران از جمله با جنس مخالف، به او بسیار کمک می‌کند.

## ز) آموزش حدود شرعی ارتباط با جنس مخالف

امروزه به دلیل شرایط اجتماعی موجود و وجود آموزش و پرورش، خانواده بخشی از کارکرد خود را در مورد آموزش مسائل دینی و احکام شرعی به نهادهای آموزشی واگذار کرده؛ زیرا برخی والدین گمان می‌کنند مدرسه و معلم باید مسائل دینی و احکام شرعی را به دانش‌آموزان بیاموزد. در نتیجه احساس نیاز به یادگیری این مسائل را نیز در فرزندان خود به وجود نمی‌آورند و همه بار این آموزش‌ها را به عهده مراکز آموزشی می‌گذارند؛ درحالی‌که به فرموده بزرگان دین و از جمله آنها، امام صادق 7:

الغلام يلعب سبع سنين و يتعلم الكتاب سبع سنين و يتعلم

الحلال و الحرام سبع سنين؛<sup>۶۸</sup>

پسر باید هفت سال بازی کند، هفت سال سواد بیاموزد

و هفت سال به آموزش حلال و حرام بپردازد.

اگرچه در این حدیث شریف، لفظ «غلام» به معنای «پسر» آمده، ولی این آموزش، ویژگی

جنسی ندارد که منحصر در پسر باشد، بلکه شامل دختر نیز می‌شود و آموزش حلال و حرام هم بر پسر و هم بر دختر واجب است؛ همانند خطاب‌های عام قرآن که با لفظ مذکر آمده، ولی شامل مرد و زن می‌شود، همچون آیه شریفه: «یا ایها الذین امنوا کتب علیکم الصیام».<sup>۶۹</sup> بدیهی است که وجوب روزه، فقط بر عهده مردها نیست، بلکه شامل زنان نیز می‌شود. به هر روی، یکی از وظایف والدین، آموزش احکام شرعی است که میزان ارتباط با جنس مخالف نیز در همین محدوده قرار دارد و اگر این آموزش به هر دلیلی برای پدر و مادر امکان‌پذیر نیست، باید زمینه‌یادگیری آن را برای فرزندانشان فراهم آورند. آموزش این حدود و رعایت آنها نشانه عقب‌ماندگی و یا محدودسازی فرزندان نیست و بیانگر توجه خانواده به رفتار اجتماعی است و به هر اندازه که فرهنگ یک خانواده بالاتر باشد، به ریزه‌کاری‌ها و دقایق زندگی، از جمله روابط اجتماعی با دیگران بیشتر اهمیت می‌دهد. البته در رعایت حدود شرعی نیز باید از افراط و تفریط پرهیز شود.

### ح) زمینه‌سازی برای ازدواج موفق، آسان و کم‌هزینه

ازدواج و تشکیل خانواده، مطمئن‌ترین راه سلامت و امنیت جامعه است. هنگامی که شالوده خانواده محکم باشد و جوانان، به ازدواج و تشکیل خانواده بپردازند، کجروی، سرگردانی، سرکشی، تجاوز جنسی و شیوع بیماری‌های خطرناک جنسی همچون ایدز، بسیار کاهش می‌یابد. از این رو آموزه‌های دینی، یکی از حقوق فرزند بر پدر را زمینه‌سازی برای ازدواج او می‌داند و رهبر جامعه مسلمین، حضرت رسول اکرم ﷺ می‌فرماید:

من حق الولد علی والده ثلاثة: یُحَسِّنُ اسْمَهُ و یعلمه الکتابه و

یزوجه اذا بلغ؛<sup>۷۰</sup>

از جمله حقوق فرزند بر پدرش سه چیز است: اسم

خوب برایش انتخاب کند، سواد به او بیاموزد و هرگاه به

سن بلوغ رسید، او را همسر دهد.



متأسفانه امروزه در جامعه ما، این دستور اسلامی با موانع بسیاری روبه‌رو است و سنت‌ها و آداب و رسوم دست‌وپاگیر، سد راه ازدواج جوانان شده است. یکی از این موانع، توجه بیش از حد به مسائل مالی و اقتصادی است. بالا بودن هزینه‌های ازدواج، مهریه‌های سنگین، انتظار مسکن مستقل در آغاز زندگی و... قید و بندهایی است که برگزاری این سنت نبوی را به تأخیر انداخته است. قرآن کریم آشکارا اعلام می‌نماید مبادا از ترس فقر و تنگدستی ازدواج را ترک کنید:

وانكحوا الايامي منكم و الصالحين من عبادكم و إمائكم ان  
يكونوا فقراء يغنهم الله من فضله و الله واسع عليم.<sup>۷۱</sup>

مردان و زنان بی‌همسر خود را همسر دهید، همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را. اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز می‌سازد؛ خداوند گشایش‌دهنده و آگاه است.

در حدیثی از امام صادق 7 نیز آمده که:

رُوِيَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَرِيْزٍ عَنِ الْوَلِيدِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ  
اللَّهِ عَ مَنْ تَرَكَ التَّزْوِيجَ مَخَافَةَ الْفَقْرِ فَقَدْ أَسَاءَ الظَّنَّ بِاللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّ  
اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ إِنَّ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِيهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ.<sup>۷۲</sup>

هر کس ازدواج را به دلیل ترس از تنگدستی ترک کند، گمان بد به پروردگارش برده؛ زیرا خدا در قرآن فرموده است: اگر محتاج باشند، خداوند به فضل خود آنها را بی‌نیاز می‌سازد.

توجه قرآن به ازدواج آنچنان است که برای افرادی که توانایی ازدواج با زنان آزاد را ندارند نیز راه حل نشان داده و می‌فرماید:

و من لم يستطع منكم طَوْلاً ان ينكح المحصنات المؤمنات فمن ما  
ملكتم ايما نكم من فتياتكم المؤمنات و الله اعلم بايما نكم بعضكم من  
بعض فانكحوهن باذن اهلهن.<sup>۷۳</sup>

...و آنهایی که توانایی ازدواج با زنان (آزاد) پاکدامن را ندارند، می‌توانند با زنان پاکدامن از بردگان با ایمانی که در اختیار دارید، ازدواج کنند. خدا به ایمان شما آگاه‌تر است و همگی اعضای یک پیکرید. آنها را با اجازه صاحبان آنان تزویج نمایید.

با توجه به ارزش و اهمیت فراوان اسلام برای ازدواج و تلاشی که برای زدودن قید و بندها از ازدواج کرده، دختر یا پسر هر زمان که احساس نیاز به ازدواج کرد، باید بدون هیچ مانعی ازدواج نماید. تأکید اسلام بر مهریه سبک، لازم نبودن شاهد در زمان جاری نمودن خطبه عقد و...، راهکارهای اسلام برای برگزاری ازدواج آسان است.

اسلام همان‌گونه که در انتخاب همسر به دقت سفارش می‌کند و به مسلمانان گوشزد می‌کند که دقت نمایند از چه خانواده‌ای زن می‌گیرند یا به چه خانواده‌ای دختر می‌دهند و چه کسی را برای همسری برمی‌گزینند، پس از انتخاب همسر، برگزاری ازدواج آسان را بهتر دانسته است. والدین نیز وظیفه دارند با دادن بینش صحیح به فرزندان درباره انتخاب همسر شایسته و متعادل نمودن انتظارات، نداشتن توجه افراطی به مادیات و کنار گذاشتن بهانه‌های بیجا و سخت‌گیری بی‌مورد، زمینه ازدواج موفق، آسان و کم‌هزینه فرزندان‌شان را فراهم نمایند. اگر ازدواج، از آداب و رسوم نادرست و پرهزینه جدا شود و سن ازدواج به حد معقول و مشروع خود برسد و جوانان بتوانند در زمان نیاز ازدواج کنند، بسیاری از کژی‌های اخلاقی و مفاسد اجتماعی مانند دوستی‌ها و روابط نامشروع با جنس مخالف از ریشه می‌خشکد و جامعه به سمت سلامت و آسایش پیش می‌رود. رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای نیز می‌فرماید:

ازدواج برای جوان‌ها لازم است و جوان‌ها هم آن را می‌خواهند، اما مواعی هم وجود دارد... عادت‌ها، تفاخرها، تکاثرها، چشم‌وهم‌چشمی‌ها،





تجمل طلبی‌ها... اگر عادت کنند که ازدواج‌ها را ساده، بی‌پیرایه و بی‌تشریفات انجام بدهند، فکر می‌کنم که خیلی مشکلات حل خواهد شد.<sup>۷۴</sup>

این تأکید و بی‌پرده‌گویی آیات و روایات در مورد ازدواج، به علت تأثیر مثبت و غیر قابل انکار آن در سالم‌سازی روحی و جسمی فرد و خانواده و جامعه است. فقها نیز ازدواج را در صورت به گناه افتادن مجرد، واجب دانسته، می‌گویند: «کسی که به واسطه نداشتن زن، به حرام می‌افتد، واجب است زن بگیرد».<sup>۷۵</sup>



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

## پی نوشت:

۱. مائده: ۵۴
۲. علی شریعتمداری، *روانشناسی تربیتی*، اصفهان، مشعل، بی تا، ص ۲۶۰.
۳. ذاریات: ۵۶ و ۵۷
۴. نجم: ۳۹
۵. رک: توبه: ۲۳؛ آل عمران: ۱۱۸، ۱۰۰ و ۱۴۹؛ ممتحنه: ۱.
۶. کهف: ۲۸
۷. *الکافی*، ج ۶، ح ۴۳۴، باب الغناء...، ص ۴۳۱.
۸. ابن ابی الحدید، *شرح نهج البلاغه*، ج ۲۰، بی جا، بی تا ص ۲۷۲، حکمت ۱۴۷.
۹. میرزا حسین نوری، *مستدرک الوسایل*، ج ۸، بیروت، انتشارات مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، ۱۹۸۷، ص ۳۳۹.
۱۰. همان، ج ۱۲، ص ۳۱۳.
۱۱. محمد باقر مجلسی، *بحار الأنوار*، ج ۷۵، بیروت، الوفاء، ۱۴۰۳ هـ ق، ص ۳۷.
۱۲. محمد بن علی بن الحسین بابویه قمی صدوق، *من لایحضره الفقیه*، ج ۴، قم، منشورات جامعه المدرسین فی الحوزة العلمیة، ۱۴۰۴ هـ ق، ص ۳۸۱.
۱۳. عبدالواحد آمدی، *عمر الحکم و درر الحکم*، ترجمه هاشم رسولی محلاتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۳، ص ۸۵، ج ۱۳۸۲.
۱۴. رک: حسین مهدیزاده، «آسیبشناسی دینگرایی جوانان با الهام از کلام و سیره امام علی ۷»، *آسیبشناسی تربیت دینی*، کتاب ششم، ۱۳۸۰، صص ۱۵۵ و ۱۵۶.
۱۵. *بحار الانوار*، ج ۱، ص ۱۶۶.
۱۶. ص: ۲۶
۱۷. مریم: ۵۹
۱۸. *بحار الانوار*، ج ۶۷، ص ۷۸.
۱۹. *عمر الحکم*، ج ۳۵۶۵.
۲۰. نازعات: ۴۰
۲۱. *من لایحضره الفقیه*، ج ۱۴، ص ۱۳.
۲۲. نور: ۳۳
۲۳. *عمر الحکم*، ج ۲، ص ۵۱، ح ۴۸۸۴.
۲۴. محمد تقی فلسفی، *جوان از نظر عقل و احساسات*، تهران، بیتا، صص ۲۷۱ و ۲۷۲.
۲۵. *عمر الحکم*، ج ۲، ص ۱۹۹، ح ۳۵۴۳.
۲۶. علی اصغر احمدی، *تحلیلی تربیتی بر روابط دختر و پسر در ایران*، تهران، انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۷۸، ص ۱۰۱.
۲۷. *وسائل الشیعه*، ج ۶، ص ۱۷۷.



۲۸. خبرنامه سیاسی فرهنگی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، «مدیریت سیاسی»، شماره ۹۴۹، به نقل از: نامه جامعه، سال چهارم، شماره ۳۸، آبان ۱۳۸۶، ص ۸۸.
۲۹. لقمان: ۲۰
۳۰. قصص: ۷۷
۳۱. من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۶۸.
۳۲. محمدبن یعقوب کلینی، اصول الکافی، ج ۵، دارالکتب الاسلامیه، قم، ۱۳۸۸ق، ص ۷۸.
۳۳. فروع الکافی، ص ۸۴.
۳۴. بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۱۰۸.
۳۵. کافی، ج ۵، ص ۸۴.
۳۶. من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۶۳.
۳۷. مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۱۱.
۳۸. تحریم: ۶
۳۹. غررالحکم، ص ۴۰۵، ح ۹۲۷۵.
۴۰. نساء: ۱۹
۴۱. ر.ک: نساء: ۲۵؛ طلاق: ۲.
۴۲. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۷.
۴۳. مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۵ش، ص ۲۵۶.
۴۴. صدرالدین حائری شیرازی، راه رشد، قم، دارالصادقین، ۱۳۷۸، صص ۴۵ و ۴۶.
۴۵. صافات: ۱۰۲
۴۶. یوسف: ۹۷-۹۹
۴۷. تحلیلی تربیتی از روابط دختر و پسر در ایران، ص ۸۹.
۴۸. خسرو باقری، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران، انتشارات مدرسه، ۱۳۷۴، ص ۷۵.
۴۹. روم: ۷
۵۰. علی زینتی، «اسلام و روابط دختر و پسر»، فصلنامه کتاب زنان، سال ششم، شماره ۲۴، ۱۳۸۳، ص ۹۸.
۵۱. نساء: ۲۵
۵۲. محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، بیروت، الاعلمی، بیتا، ص ۲۷۸.
۵۳. ر.ک: احمدی، محمدرضا، روابط پسر و دختر، قم، معارف، ۱۳۸۶، ص ۴۱.
۵۴. نظام حقوق زن در اسلام، ص ۱۶۵.
۵۵. ر.ک: عباس پسندیده، پژوهشی در فرهنگ حیا، قم، دارالحديث، ۱۳۸۳.
۵۶. غررالحکم، ص ۴۸۱، ح ۱۱۰۶۱.

۵۷. اسراء: ۷۰
۵۸. نهج البلاغه، حکمت ۴۴۱.
۵۹. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۳.
۶۰. من لايحضره الفقيه، ج ۲، ح ۴۹، باب الخراج و الجزية...، ص ۴۸.
۶۱. وسائل الشيعه، ج ۱۵، ص ۱۹۳.
۶۲. همان، ج ۲۱، ص ۴۷۴.
۶۳. همان
۶۴. نهج البلاغه، نامه ۳۱.
۶۵. همان
۶۶. همان
۶۷. غلامعلی افروز، چکیده‌ای از روانشناسی تربیتی (کاربردی)، تهران، انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۸، ص ۱۸۸.
۶۸. وسائل الشيعه، ج ۱۷، ص ۳۳۱.
۶۹. بقره: ۱۸۳
۷۰. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۸۰.
۷۱. نور: ۳۲
۷۲. من لايحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۸۵.
۷۳. نساء: ۲۵
۷۴. بیانات مقام معظم رهبری و پرسش در جمع دانشجویان و دانشگاه صنعتی امیرکبیر ۱۳۷۹/۱۲/۹.
۷۵. توضیح المسائل سیزده مرجع، ج ۲، قم، ص ۴۹۳، م ۲۴۴۳.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 رتال جامع علوم انسانی